info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۴۸۷
سه‌شنبه / ۳۰ مهر / ۱۳۹۸
۲۳ / صفر / ۱۴۴۰
22 / Oct/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۵۳۸۳۸-۳۲۵۵۳۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

خبرچه

انتشار «الهی‌نامه» عطار به زبان ژاپنی

به نقل از روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ترجمه این مجموعه توسط آیائو ساساکی (AYANO SASAKI) ایران‌شناس و رئیس بخش فارسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو انجام شده و در قالب هشتصد و نود و ششمین مجموعه «تویوبونکو» (کتابخانه شرقی) از مشهورترین مجموعه کتاب‌ها در ژاپن با حمایت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ژاپن به چاپ رسیده است.

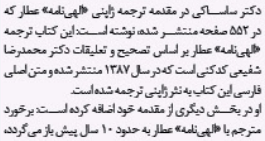

به گزارش پیام آشنا، «الهی‌نامه» عطار به زبان ژاپنی توسط انتشارات «هیوشا» از مهمترین مجموعه‌های انتشاراتی ژاپن در زمینه‌های علمی و فرهنگی در ۲۰۰۰ نسخه منتشر شده و در حال حاضر در بازار کتاب این کشور در حال عرضه است.

دکتر ساساکی در مقدمه ترجمه ژاپنی «الهی‌نامه» عطار که در ۵۵۲ صفحه منتشر شده، نوشته است: این کتاب ترجمه «الهی‌نامه» عطار بر اساس تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی است که در سال ۱۳۸۷ منتشر شده و متن اصلی فارسی این کتاب به نثر ژاپنی ترجمه شده است.

او در بخش دیگری از مقدمه خود اضافه کرده است: برخورد مترجم با «الهی‌نامه» عطار به حدود ۱۰ سال پیش باز می‌گردد، زمانی که دکتر یوکوفوجیموتو استاد ادبیات معاصر فارسی دانشگاه اوساکا برای پروژه «داستان شفاعی و زن» با حمایت وزارت علوم ژاپن، برای همکاری در خصوص «زنان در الهی‌نامه عطار» از من دعوت کرد و بعد از آن مرحوم دکتر کوروبیاگاکی ترجمه کامل اثر را توصیه کرد که به دلیل مشغله فراوان دانشگاهی، زمان بسیار طولانی تا انتشار کتاب سپری شد و رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ژاپن به منظور معرفی آثار سنتی زبان فارسی در ژاپن، انتشار این کتاب را مورد حمایت قرار داد که باید تشکر کنم.

رمان «ملت عشق» سریال می‌شود

به نقل از یوکسلر، کمپانی «تنفلیکس» اعلام کرد ساخت سریال ترک زبانی را با اقتباس از رمان پرفروش «ملت عشق» اثر «الیف شافاک» نویسنده ترکیه‌ای، در دستور کار خود قرار داده است.

به گزارش پیام آشنا، این کمپانی همچنین از برنامه ساخت سریال‌هایی با اقتباس از رمان‌های «افراد مضطرب» نوشته «فردریک بکمن» نویسنده سوئدی و «تیل» رمان آلمانی زبان نوشته «فائیل کلمان» خبر داد.

معاون کمپانی «تنفلیکس» بیان کرد: «پس از دستیابی به موفقیت در ساخت سریال‌های اقتباس شده در ژانر علمی تخیلی و عاشقانه، این کمپانی به دنبال ساخت سریال در تمامی ژانرها است.»

معاون کمپانی «تنفلیکس» افزود: «این کمپانی به هیچ عنوان قصد ندارد با ساخت سریال‌های اقتباسی برای جذب مخاطب با ناشران کتاب به رقابت بپردازد بلکه ناشران را به عنوان همکاران خود در مسیر تکمیل پروژه‌های سریالی می‌شناسد.»

رمان «ملت عشق» که با عنوان «چهل قانون عشق» نیز شناخته می‌شود به زندگی انسان امروز در غرب و نیز رابطه شمس و مولانا در قرن هفتم اشاره می‌کند. این رمان توانست عنوان پرفروش‌ترین کتاب تاریخ ترکیه و یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های بازار ایران را در زمان انتشارش به دست آورد.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می‌خواهیم، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در محله‌ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک‌های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS

سفرنامه مارکوپولوی کرج

پرواز با بدترین ایر لاین دنیا

مهدی عیدی- اتفاقات ناخوشایند همیشه در سفرها هست. گاهی خوب و گاهی بد. خیلی وقت‌ها برای تغییر شرایط کاری از دستمان برنمی‌آید پس یا باید با شرایط کنار آمد یا اگر این کار را نکنیم شرایط ما را مجبور به تسلیم شدن می‌کند.

این بار م بخواهم از شرایط پیش آمده سخت در سفرم بگویم؛ جایی که باز قهرمان داستان خودم هستم و تعداد کارآمترهای داستان کم است. به جز من یک زوج افغانستانی با قرزند بر سر و صدایشان. یک ایرانی مقیم ایتالیا که این داستان او را آقای ایتالیایی خطاب می‌کنم چرا که لغات ایتالیایی را چه در صحبت فارسی و چه انگلیسی زیاد به کار می‌برد و پسری از ترکمنستان که چند ساعتی هم صحبت بودیم.

قرار بود بعد از یک مدت طولانی به ایران برگردم. آفر ویژه اکرایین ایر وی را که دیدم. با خودم گفتم بهتر از این نمی‌شود. قیمت خیلی مناسب بود: ۲۴۰ یورو با دو چمدان ۲۳ کیلویی. پرواز اول از وین به کی یف Kiev (پایتخت اکراین) و بعد از ۹۰ دقیقه پرواز از کی یف به تهران. مدت پرواز بیشتر از حد معمول بود ولی با توجه به قیمت ارزش سپری کردن زمان بیشتر در راه را داشت.

ساعت پرواز از وین ۳:۲۵ بود. مثل همیشه دو ساعت قبل از پرواز در فرودگاه بودم چمدان‌ها را تحویل دادم و به سمت گیت خروجی حرکت کردم. اینجا بود که برای اولین بار با زوج افغانستانی را دیدم فارسی حرف زدنشان توجهم را جلب کرد نمی‌دانستم قرار است بیش از یک روز با آن‌ها مشترک داشته باشم.

تقریبا نیمی از مسافران از گیت رد شده بودند که اعلام شد پرواز یک ساعت تاخیر دارد و این یعنی نهایت بدشانسی من فقط ۳۰ دقیقه وقت داشتم به پرواز دوم برسم با دکتر ارانی در وین تماس گرفتم. تماس خیلی تویز داشت. این قدر زیاد بود که متوجه حرف‌ها نمی‌شدم و بدتر از آن لهجه نماینده ایرلاین بود که انگلیسی را با لهجه روسی صحبت می‌کرد چند بار تماس را تکرار کردیم خیلی دردسر کشیدیم تا متوجه حرف‌هایش شوم. قرار شد چمدان‌ها را پس بگیرم تا پرواز جابگزین به من بدهند ولی تنها شخصی که در سالن بود با تماسی که با دفتر ایر لاین در کی یف داشت گفت ۳۰ دقیقه فرصت هست و همین زمان کافی است.

از من نه و از او آری! به هر حال چمدان‌ها را تحویل ندادند و اگر سوار هواپیما نمی‌شدم ممکن بود هر دو چمدان گم شوند پس به تنها سوار شدم. نیم ساعت هم داخل هواپیما نشستیم و باز هم معطل شدیم ۹۰ دقیقه و دیگر مطمئن شدم پرواز دوم را از دست می‌دهم.

وقتی به فرودگاه کی یف رسیدم با سرعت تمام برای پرواز دوم حرکت کردم ولی بعد از کلی معطلی در ترنسفر دسک Transfer desk خانمی رسید و گفت پرواز رفته و حالا سوال های متنوّل چه کنم؟ پرواز جایگزین؟ چمدان ها؟

اینجا بود که برای اولین بار آقای ایتالیایی را دیدم و برای باز دوم زوج افغانستانی را پس شدیم ۴ نفر و یک کودک با یک مشترک. هیچ وقت فکر نمی کردم یک ایر لاین اروپایی اینقدر بی برنامه باشد. خانمی که مسئول بود نمی دانست چه کند. انگار بار اولش بود. ما را به سمت کنترل پاسپورت هدایت کرد و رفت و گفت از اینجا خارج شوید. آن هم قسمت کنترل پاسپورت دیپلمات ها و خدمه پرواز. برایم عجیب بود چرا از آن قسمت در مسیر حرکت ماموری سمت ما آمد و گفت کجا؟ تا خواستم بگویم این خانوم گفته از این جا خارج شوم، دیدم خانوم محترم محو شده/ گفت مگر خلبان یا دیپلمات هستی؟ گفتم نه ولی همکار شما گفت. گفت نمی شود و باز برگشت به ترنسفر دسک. گفتم نمی گذارند وارد شوم. نماینده ایر لاین اینجا نیست؟ گفت نه فقط من هستم. خیلی آرام و خونسرد بود. راه دوم که پیشنهاد داد این بود که از قسمت معمولی کنترل پاسپورت بروید. قسمت معمولی کنترل پاسپورت هم گفت مگر شما ویزای اکراین دارید که می خواهید وارد شوید؟

و بازی شروع شد! برگشت به ترنسفر دسک. گفتم نمی شود! کسی از ماموربن ایر لاین نمی آید؟ جواب باز هم نه بود. من ویزای اکراین ندارم پرواز بعدی چه ساعتی است؟ اولین پرواز فردا صبح ساعت ۹/۳۰ به سمت استانبول است چرا استانبول؟ حالا تا آنجا برو بعد راهی پیدا می شود!

کم کم به نقطه جوش رسیدم و با این برخورد نمی شد خونسرد ماند. مودبانه ولی با صدای بلند اعتراض کردم. جواب‌ندادم مثل اینکه صدایم را نمی شنید یا شاید دوست نداشت بشنود. آقای ایتالیایی هم شروع به اعتراض با صدای بلند کرد و بین حرف‌هایش قحش های ایتالیایی می داد. جملاتش را مـی فهمیدم چون اولین کلمات ایتالیایی که یاد گرفته بودم این جمله ها بودند! ایتالیایی ها هم مثل ما در این شـرایط لغات خاص زیاد دارند. تا فردا چه کنم؟ شب را کجا سپری کنم؟ مثل به من می دهید؟

همکار دیگر آمد. هیچ کس درست جواب نمی داد و جالب اینکه همه خونسرد و انگار نه انگار در یک فرودگاه بزرگ در اروپا هستی، هر چند این کشور فقط از نظر جغرافیایی در اروپاست و فکرها متعلق به سال ها قبل است! خانم دوم گفت از کنترل پروازهای ترانسفر رد شوید بلیط هم که دارید. قسمت اطلاعات در طبقه دوم ماموربن ایر لاین می آیند برای هتل و غذا با خودم گفتم بالاخره اعتراض ها جواب داد. به سمت گیت راه افتادم. گیت ۵۵. نوبت کنترل پاسپورت و چمدان بود تا به سالن ترنسفر برسم.

خانمی که آن جا بود حرف هایم را متوجه نشـد و باز داستان دیگر شروع شد. به ماموربن امنیت خبر داد و ماموربن امنیت گفت خیلی حرف می زنید. گفتم فقط می خواهم از اینجا کنترل و رد شوم. گفت وظیفه من ایجاد امنیت است و اگر زیاد حرف بزنی دستگیرو زندان و کلمه زندان را به فارسـی هم گفتـا مشکل جدید داشت به تراژدی تبدیل می شد. باز هم ترنسفر دسک و گفتم حتما باید یکی با من بیاید و به ماموربن بفهماند! بعد از کلی معطلی بالاخره یکی از مسافران که روسی بلد بود. خود جوش کمک کرد. از قسـمت کنترل رد شدم تا به طبقه دوم قسمت ترنسفر رسیدم و به میز اطلاعات رفتم! یک خانم خونسرد دیگر!

"قرار است نماینده ایر لاین به مشکل ما رسیدگی کند. صبر کنید!" نیم ساعت گذشـت "نماینده نیامد؟ چه شد؟"

"صبر کنید ۴۵ دقیقه!" بعد از ۴۵ دقیقه باز هم گفتند که صبر کنید! ۴۵ دقیقه دیگر!

دیگر کامه صبرم لبریز شده بود.

ادامه را در شماره فردا بخوانید.

خوانش

امروز با حافظ

زاهد چو از نماز تو کاری نمی‌رود
هم مستی شبانه و راز و نیاز من
حافظ ز گریه سوخت بگو حالش ای صبا
با شاه دوست پرور دشمن گداز من

فتادم به رهت چشم و گوش گشته سراپا
بیا که گوش به آواز پا و چشم به راهم...

وحشی بافقی

اذان شرعی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۵۳	۰۶:۱۸	۱۱:۵۲	۱۷:۲۵	۱۷:۴۲

برگه

پست ترین شخص، فردی است که عشق را در انسانی بیدار کند، بدون اینکه قصد دوست داشتن آن را داشته باشد.

باب مارلی

دیدگاه

لمپن ها به بهشت نمی روند

پیوپلیسمها، جی‌های مدرن هستند چهره‌های وظهور، کمپلیکه کمتر شناخته شده و با دیکته‌های نلوشته که رگ خواب جامعه خود را خوب می‌شناسند. پیوپلیسمها می‌دانند جامعه دقیقـا از چه چیزهایی رنج می‌برد آن خـود را نجی مردم مرفهی شـفایخش و دوایی عاجل برای بیماری‌های مزمن جامیزنند. پیوپلیسمها با شناخت دقیق گسل‌های جامعه و شکاف‌های موجود در آن، خود را حلال این مشکلات و برنامه‌های خود را ملایی برای به کردن این گسل‌ها معرفی می‌کنند. اما اتکه اینجاست که آنچه پیوپلیسمها دارند، فقط شمار است. شمارهایی بدون برنامه‌های مشخص. شمارهایی که فقط اهداف تاریخی ملت را نشان می‌دهند بدون آنکه بگویند از چه راهی و با چه سلوکاری می‌خواهند به این اهداف برسند. به همین دلیل تجربه نشان داده است پیوپلیسمها اغلقاً بزرگترین خیانتکاران به آرمان‌هایی هستند که خود با سوارشدن بر موج آنها به قدرت رسیده‌اند.

همه شواهد نشان می‌دهد خطر پوپولیسم همچنان پیش روی ما است. چرا که همچنان فاصلـه میان آرمان‌ها و واقعیت‌های زندگی مردم آنقدری هست که پیوپلیسمها بتوانند باز هم سراب دیگری از رؤیاهای آنان بسازند. شکاف طبقاتی، افزایش فساد اقتصادی، ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی، سـختی معیشـت، گسـترش ناهنجاری‌های اجتماعی و تحدید بیش از پیش حوزه فرهنگی، همه و همه ظرفیت‌های ظهور پوپولیسم است. ظرفیت‌هایی که هنوز در جامعه ما هست. نه‌اینکه پوپولیسم هنوز یک خطر بالقوه برای ما است خطر از این جهت که هم می‌تواند در خرمن آرمان‌های مردم آتش افکند و هم می‌تواند منابع مادی و معنوی کشور را برای چند دهه تلف کند. از این رو، در نخستین شماره مجله «ایران ملی» که از مهرماه هر ماه همراه روزنامه ایران منتشر می‌شود پرونده ویژه‌ای برای «پوپولیسم» شکل گرفت تا از نگاه‌های فکر و نظر و زاگی‌ها و مخاطرات منش پوپولیستی تعریف و تبیین شود. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌هایی از این «پرونده ایران ملی» است.

۱ در تاریخ سیاسی قرن بیسـتم دو واژه «همپنسیوم» و «پوپولیسـم» چه در نظریه و چه در رفتارهای سیاسی، به سـختی با یکدیگر گره خوردند. این تجربه‌ای است که می‌توان آن را هم در کشورهای مرکزی و توسعه‌یافته و هم در کشورهای حاشیه‌ای و در حال توسعه مشاهده کرد. روشـن اسـت که مهم‌ترین تجربه‌ها و بدون شک دردناکتریـن آنها در نظام سیاسـی توتالیتر؛ یکی در کشوری توسعه‌نیافته یعنی روسیه بود که با انقلاب ۱۹۱۷ و رژیم توتالیتر چپ- آغاز شد و دیگری چند سال بعد در یک کشور توسعه‌یافته یعنی آلمان با سقوط دولت وایمار و قدرت گرفتن فاشیست‌ها بین دو جنگ و صعدتاً در دهه ۱۹۳۰ ظهور کرد. در هر دو مورد ما شـاهد آن بودیم که «ایش‌های لمپنی» به کار گرفته می‌شد یعنی استفاده گسترده از قرار خشونت‌طلب و به کار بردن کلام ضدنخبه، ستایش دروغین مردم و طبقات فرودست و متهم کردن روشـنفکران و هنرمندان به خیانت و ایستادن در برابر مردم. استفاده از حرف‌های پیش‌افتاده و تحقیر سخنان سـنجیده و متداول از ویژه‌های بسیار رایج لمپنیسم و پوپولیسـم بوده و هنوز هم هست. آنچه این تجربه را از هم جدا می‌کرد، در محورهای ایدئولوژیک آنان بود. از یک سـو ادعای نجات فرودسـتان و کارگران و خـدمای کمونیسـتی و از سـوی دیگر، ادعای نجات «نژاد اصیل» آرمن و شـعارهای نئیونال سوسیالیسـتی و فاشیسـتی در هر دو مورد، دشمنان‌شان کسانی بودند که مردم را به عقلانیت فرا می‌خواندند و به سطحی‌نگری و پناه گرفتن پشت باورهای عامیانه برای پیش بردن اهداف ضدمردمی باور نداشتند. قربانی همه این روش‌ها هم در نهایت نه فقط روشنفکران، هنرمندان، دانشگاهیان و نخبگان سیاسی و فکری، بلکه همان مردمی بودند که ادعا می‌شد رهبران پوپولیست برای دفاع از آنان به میدان آمده‌اند و لشکر آرائل لمپین آنان خشونت خود را با تکیه بر «آرمان‌ها» و «حقانیت» آنان، توجیه می‌کردند. این روش «االیت» با سقوط و تخریب فاشیسم و کمونیسم روسی موقتاً پایان یافت. اما فضایت بازسـازی و سر بیرون آوردن در تاریخ بعدی جهان را هم داشت.

۲ بسیاری از ناظران سیاسی برآن گمان بودند که کشتار بیش از بیست میلیون نفر به‌طور مستقیم و تغییرمستقیم (در اثر بیماری‌ها و قحطی و تغیره) و نزدیک به صد میلیون انسـان در جنگ جهانی اول و کشتار صد میلیون انسان به صورت‌های مختلف در جنگ جهانی دوم که ناشـی از ایدئولوژی‌هـای ملی‌گرایی افراطی و بیاده شـدن این ایدئولوژی‌ها با روش‌های لمپنیسی و حکومت‌های پوپولیستی و عامه‌گرا بود، برای همیشه با حداقل ناگزیر تا تمام جهان را در برابر خطرات اینگونه نظریات محافظت خواهند کرد؛ اما متأسفانه چنین نبود.

نوعی مارکسیسـم پوپولیسـتی و مبتذل که آن هم با روش‌های لمپنیسی به اجـرا درآمد دهها میلیون قربانی در چین و شرق آسـیا و در تداوم حکومت‌های توتالیتاری از جمله در شـوروی بر جای گذاشت. این در حالی بود که درتقریب، هم در حکومت‌های پوپولیسـتی و فاشیستی برجای مانده از جنگ از جمله آلـمانیا و پرتغال؛ و هم در گرایش‌های سیاسی در دفاع از کودتاها و حکومت‌های وابسته دیکتاتوری به اروپا و امریکا، میلیون‌ها کشته و قربانی در فاصله پایان جنگ تا امروز، اکه نشگی بر پیشانی انسانیت بودند. اما این تمام قضیه نبود و موج جدیدی از لمپنیسم و پوپولیسمو با پایان توتالیتاریسم‌های شرقی در شوروی و بلوک شـرق، در راه بود. این موج که زمینه‌های آن، با فروپاشی آرام شوروی از دهه ۱۹۸۰ در شرق و فروپاشی دموکراسی‌های سوسیال درتقریب با روی کار آمدن تاچر در بریتانیا و ریگان در امریکا آغاز شد، از دهه ۱۹۹۰، جهان را وارد سیری قهرآمیز کرد که با قدرت گرفتن سیستم‌های مافیایی (ویژه در روسـیه در دهـه ۱۹۹۰)، نظام‌های درنسلاز در کشورهای در حال توسعه بویژه، آفریقای سیاه و امریکای لاتین و شرق آسیا و حکومت‌های نولیبرال ضد اجتماعی در ایالات متحـده و اروپای تزیی همراه بود و سرانجام به فاجعه‌ای به نام «ترامپیسم» رسید.

ترامپیسم نه تنها افتراد امریکا و کنار کشیدنش از صحنه بین‌المللی و تخریب گسترده نهادهای دموکراتیک این کشور را ایجاد کرد بلکه در کشورهای دیگر جهان چون برزیل، اسـکاندیناوی، بریتانیا، لهستان، ایتالیا، هند و فیلیپین و بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم، امواج لمپنیسم و پوپولیسم و تندروی‌های جاهلانه و البته ضد روشنفکران ضد کارگران ضد دانشگاهیان، ضد هنرمندان را همراه داشت.

۳ امـروز در این بحران عمومی هسـتیم؛ بحرانی که نتیجه آن سـپردن سرنوشت جهان به دست قلدرترین و ماقیانی‌ترین قدرت‌های موجود در آن و روشـن شدن چراغ سـبز برای همه امپن‌ها و پوپولیسم‌های جهان است و اگر امیدی برای بازگشـت از این راه باشد، شاید با دسـتیابی‌های دموکراتیک ممکن باشـد که در نظام امریکایی وجود داشته و در طول سه سال گذشته در این کشور مقاومت گسترده‌ای را علیه ایدئولوژی‌های راست افراطی و نژادپرسـتی و ملی‌گرایی‌های افراطی به وجود آورده و سـرانجام توانسته است در همین روزهای اخیر، فرآیند استیضاح دونالد ترامپ را کلید بزند که امید نسبت به موفقیت آن هنوز اندک اسـت. اما این امید با امید به شکست اتحادیافی اروپنئالی کوچکی در اتنهای یک تونل تاریک برای جهان نکته داشته است که با بازگشت گروه‌های عقلانی‌تر به حاکمیت این کشور، اندکی از فشار گسترده لمپنیسم و پوپولیسم وحشیانه‌ای که در چند سال اخیر در کل جهان شاهدش بودیم کاسته شود.

۴ در این میان برای کشوری چون ایران، باید تمام خطرات دموکراتیک در کشـور ما هرچند به یکصد سـال پیش می‌رسـد اما واقعیت در آن است که نمی‌توانیم از درونی شدن یک پیشینه ذهنیت‌ها، رفتار و نهادهای دموکراتیک و فرهنگ دموکراتیک نام ببریم و با اتحقق این امر، فاصله زیادی داریم این فاصله به خودی خود مشـکل اساسی کشورهایی چون ایران نیسـت آنچه مشکل ما به حساب می‌آید وجود راه‌حل‌ها، نادرست در برابر شرایط بحرانی است که بخشی از آن حاصل انتشاءات درونی و بخشی حاصل فشارهای بیرونی بوده‌اند. مشکلات و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را همه می‌شناسیم اما راه‌حل‌ها نادرسـت خروج از اعتدال سیاسـی و انزواطلبی یا از آن بدتر حرکت به سـوی اتحادهای سیاسی با رژیم‌های تئیردموکراتیک و ماقیانی در عرصه بین‌المللی با فاصله گرفتن از سیستم‌های دموکراتیک از جمله اروپا و همچنین فاصله گرفتن از نظام‌های دموکراسی اقتصادی، یعنی دامن زدن و تقویت رفتارها و نهادهای نولیبرالی تشدید فساد و خصوصی‌سازی‌های مجهول و ضد مردمی و کنار کشیدن دولت از وظایف اساسـی‌اش یعنی تأمین نیازهای اصلی مردم در حوزه بهداشت و آموزش و مسکن و امنیت روانی و مادی شهروندان است.

«پوپولیسـم» یعنی عامه‌گرایی و تلاش برای ساده جلوه دادن مشـکلات بـزرگ و ارائه راه‌حل‌های سـطحی و «امپنسیوم» یعنی محور قرار دادن زور برای حل مشکلات یک جامعه که تاکنون در تاریخ برای هیچ جامعه‌ای، هیچ نتیجه مثبتی حتی در کوتاه‌مدت نیز نداشته است.

دکتر تاصر فکوهی

"جویندگان عاطفه" ۰۲۶ ۳۲۵۴۰۰۹۹ روابط عمومی اداره کل بهزیستی البرز

اینجا بهشت "کودکان" است! شاید دیوارهای رنگارنگی داود و "کودکان" لباس های شیک و اسباب بازیهای خوبی دارند و می خندند اما... آغوش مادر و دستان نوازشگر پدر را گم کرده اند. در عمق چشمان مربیان شیرخوارگاه بهزیستی استان البرز غم موج می زند و همیشه چشم انتظار اند مادر و پدر یکی از این "کودکان" شیرین زبان با دلتنگی به سراغ "کو چولوهایشان بروند... برای آنها که از خانواده این "کودکان" اطلاعی در دست دارند.

فرزند جانباز در مورخ ۹۸/۰۶/۲۱ بدسرپرست و در بعاطرسگ "کمالی" متولد گردید و به علت نداشتن سرپرست و مو حب دستور طاهم محترم قضایی در مورخ ۹۸/۰۷/۱۷ از طریق بیمارستگ "کمالی" تحویل بهزیستی شده است. این آگهی جهت شناسایی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۳۲۵۱۸۱۸۸-۰۲۶ تماس حاصل فرمایید.

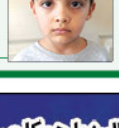

فرزند محمدطاهاد در مورخ ۹۳/۰۰/۲۶ در خیابان رها شده و به علت نداشتن سرپرست مولّد و حب مولّد و دستان نوازشگر پدر دستورم قائم محترم قضایی در مورخ ۹۸/۰۵/۰۹ از طریق اورژانس اجتماعی فردیس تحویل بهزیستی شده است. این آگهی جهت شناسایی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۳۲۵۱۸۱۸۸-۰۲۶ تماس حاصل فرمایید.